

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

داکتر اجرالدین حشمت



از جنبش مشروطه تا دولت مشروطه در افغانستان

دوره سلطنت امیر شیر علی خان (۱۸۶۳-۱۸۷۸):

اگرچه این دوره از نظر خصوصیت سیستم اقتصادی و اجتماعی ادامه نظام فیودالی قبلی بود، اما امیر موصوف با آوردن بعضی اصلاحات و تغییرات مالیات و عوارض دولتی را که بر دوش دهاقین سنگینی میگرد کاهش داد. بیگار، حصول مالیات قبیل از جمع آوری حاصلات و حواله جنسی و نقدی افراد ملکی و نظامی دولت بر دهاقین و مالیه دهندگان ممنوع قرار داده شد.

امیر بعد از تحکیم و استقرار پایه های سلطنت در عصر اقتصاد دی، به گمان اغلب با استفاده از پروگرام سید جمال الدین افغانی (۳۰)، قدم های مثبتی برداشت چنانچه ساختمان راه ها، انکشاف امورتجارت و زراعت، صنایع ملکی و نظامی تحت توجه جدی دولت قرار گرفت. در همین دوره برای اولین بار در جامعه فیودالی افغانستان، نطفه گیری سرمایه داری آماده گردید و نخستین بار قوه اجرائیه به شکل کابینه ابتدایی که مشتمل از صدراعظم و شش وزیر میباشند تبارز نمود. (۳۱)

در زمینه های فرهنگی هم طرح هایی روی دست گرفته شد: تأسیس مکاتب، مطبعه لیتوگرافی، طبع جریده شمس النهار را میتوان از برجسته ترین کارهای فرهنگی آن عهد حساب نمود. با اختصار کلام باید گفت که امیر شیرعلی خان پروگرام های مفید اصلاحی - اقتصادی و اجتماعی روی دست داشت و میخواست يك دولت قوی مرکزی سرتاسری توأم با نشر تمدن جدید ایجاد نماید، اما با تجاوز دوم انگلیس (۱۸۷۸-۱۸۸۰) تطبیق آنها اصلاحات نقش بر آب شد و افغانستان يك بار دیگر با تجاوز مستقیم انگلیس برای مدت طولانی با بی ثباتی، جنگ، فقر و عقب ماندگی و انواع مظالم امیر عبدالرحمان خان دست و گریبان گردید که اثرات منفی آن تا همین اکنون مشهود است.

امیر عبدالرحمان خان (۱۸۸۰-۱۹۰۱ م):

عبدالرحمان خان زمانی صاحب تاج و تخت افغانستان شد که کشور خسارات جبران ناپذیر ناشی از خانه جنگی های طولانی بعد از سلطنت تیمور شاه ابدالی و دو تجاوز انگلیس را متحمل شده بود و در تداوم این همه ویرانی ها ، آشوب ها و تشنج با قبول انواع مذلت و خواری ، پذیرش قرار داد های تحمیلی و عجولانه با دوامپراطوری عسرو در برابر نامه های معتنا به خارجی (۳۲) و توافقات سری و علنی و طرح ایجاد یک دولت استبدادی و مطلق العنان که در قسوت و بی رحمی و بیگانه پرستی از بدترین حکومت روزگار خود بود ریخت . اگر چه این دولت استبدادی و فیودالی که در بدل آن همه ضایعات عظیم مادی و معنوی ایجاد شد و امیر موصوف با تمام سفاکی و قسوتی که در برابر مردم خود و استرحام و خوشخدمتی در مقابل خارجی ها داشت به هدف نهایی خود رسید اما حکومت او با عکس العمل ها و قیام های وسیع و متواتر مردمی رو برو گردید . انگیزه اکثر این جنبش ها را مالیات کمر شکن ، مظالم قدرتمندان و حکمرانان ، سلب آزادی های سیاسی ، فرهنگی و مذهبی تشکیل میداد . بنابراین در نتیجه این همه عوامل محرکه ، مردم آماده قیام میگردیدند و اما دولت آنها را از طرق برخورد های نظامی با شدیدترین شیوه ها سرکوب میکرد و تعداد کثیری از قیام کنندگان اعدام و زنان مانند مردان اسیر و با آنها به صفت برده رفتار میشد .

قیامهای هزاره جات (۱۸۹۱-۱۸۹۲م) ، بلخ (۱۸۸۸م) به رهبری سردار محمد اسحاق خان ، جمشیدی های هرات ، قندهار ، میمنه ، شورش کوچیان غلزی ، بلوچ های چخانسور و مسلمان سازی بلور (نورستان) ، شورش کروخیل ها ، پنجشیری ها ، نجرابی ها ، جاجی ها ، جد رانی ها و منگل ها از نوع مقاومت های روستایی - دهقانی و ضد فیودالی آندوره محسوب می شود .

برای شناسایی چهره اصلی ، شدت عمل ، سفاکی و کینه توزی امیر عبدالرحمان خان علیه مردم افغانستان علی الخصوص منورین ، روشنفکران ، ملیون و غازیان دفع تجاوز انگلیس کلماتی چند از کتاب « جنبش مشروطه خواهی در افغانستان » اثر پوهاند هاشمی بخوانید : « سیاست خارجه بریتانیا زمانی موفق بود که به قیمت خون هزاران انسان توسط عبدالرحمان خان انجام میداد . امیر موصوف در مدت بیست و یک سال حکمروایی بیش یکصد هزار نفر را به قتل رسانیده است . در حالیکه هزاران نفر دیگر از طریق گرسنگی ، تبعید ، امراض ساری ، جنگ و عوامل دیگر تلف شده باشند . »

امیر در سال های اول سلطنت خود تعدادی از فیودال ها و متنفذین را سرکوب و یا اقلأ ضعیف ساخت و قدرت آنها را به خوانین ، زمینداران و فیودال های مطیع و کوش به فرمان تعویض نمود و این مغضوبین مشتمل از سرداران ، خانان ، رؤسای عشایر ، علماء و روحانیون بزرگ بودند (۳۳) که در مقابل دربار سرپیچی و نافرمانی میکردند . امابه قول روان شاد فرهنگ فیودالیزم به صفت یک پدیده اجتماعی و فیودالان به عنوان قشر ممتاز و برتر جامعه ، قدرت سیاسی و اجتماعی شان را حفظ کردند . (۳۴) بنابراین امیر عبدالرحمان خان نه تنها در راه اضمحلال سیستم فیودالی و ماقبل آن کوشا نبود بلکه سلطنت بیست و یک ساله او ممد تحکیم و تقویه سیستم فوق الذکر گردید و از اشاعه مناسبات سرمایه داری و گسترش افکار دیموکراسی جدأ جلوگیری نکرد . او سخت در تلاش بود تا از ترویج معارف مدرن ، احداث شوارع ، خط آهن ، مخاربات ، آشنایی با فرهنگ و تمدن اروپا جلوگیری نماید تا آن روابط و مناسبات اقتصادی و اجتماعی عقب مانده را با شیوه و طرز توزیع و تولید قرون وسطایی آن حفظ و مردم را در غبار جهل ، فقر و بینوایی و عقب ماندگی های اجتماعی ، سیاسی و اقتصادی نگاه داشته و مخصوصاً از انتقال افکار آزادیخواهی و جنبشهای مشروطه طلبی که در کشورهای شمالی و غربی رو به گسترش بود جلوگیری نماید .

در این دوره شرایط فیودالی، نیمه فیودالی و حتی ما قبل آن هنوز حکمفرما بود که مانع بزرگی در راه رشد نیروی کار و افزار تولیدی بود و استمرار این حالت تا اواخر سلطنت امیر موصوف حافظ ترکیب طبقات قبلی، فرمانروایی و حکمرانی مالکین بزرگ و سران عشایر بر رعایا و طوایف زیر دست (۳۵) گردید. اگرچه طبقات اساسی متخاصم با هم فیودالی زمین دار و دهقانان است اما در جنب آنها انکشاف ایشاد دیگر نیز مشاهده میگردد مثلاً تجار، روحانیون، دهقانان زمیندار، کارمندان عالی رتبه ملکی و نظامی و کسبه کاران و غیره.

وضع کشاورزی در اوایل سلطنت امیر عبدالرحمان خان نسبت مصروفیتش در جنگ های داخلی خیلی اسفناک بود، اما بعد از سرکوبی مخالفین و مقاومت های سرتاسری در مدت هشت سال اخیر امارت خود دست به یک سلسله اصلاحات سطحی زد که تفصیل آنرا از زبان داکتر سید هاشم صاعد می شنویم:

«اوضاع کشاورزی بنا بر احداث بعضی بندها و انهار رو به بهبود نهاد، ولی دهاقین افغانستان به اثر فشار روز افزون دولت فیودالی، قدرت خرید و آبادی زمین را نداشتند و بقیه زمین داران و همچنین قشر تا جر با آنکه زمین را مقدس و پایه اعتبار اجتماعی میدانستند، تاحدودی از خریداری زمین های زراعتی ابا میورزیدند، زیرا که امیر عبدالرحمان خان مصارف گزاف در بار و اردو و معاشات ماورین و جواسیس خود را از طریق بلند بردن مالیات و انواع واقسام آن فراهم می نمود. (۳۶)

برای روشن شدن بیشتر درجه عقب ماندگی اقتصادی و فرهنگی عهد سلطنت امیر عبدالرحمان خان (که مصدق به اواخر قرن نهم و آغاز قرن بیستم است) بهتر خواهد بود تا پاراگراف چند از «ظهور مشروطیت و قربانیان استبداد در افغانستان» اثر محترم سید مسعود پوهنیار (که او نیز از والد خود - میر سید قاسم خان نقل قول می کند) را جنساً اقتباس و در این جا بیابیم: «پدرم گفتم تقریباً دو سال قبل از آن پیسه ها را که نزد مادر خود در چارباغ لغمان دیده بود اما نمیدانست که سکه های برنجی مذکور به چه کار می آید زیرا در لغمان و در اطراف افغانستان که از شهرها دور بودند خرید و فروش توسط غله انجام می شد یعنی معاملات به صورت تبادل جنس به جنس صورت می گرفت... مردم پای لچ می گشتند، بوت و موزه نبود، چند نفر پولدار محدود صاحب پیزار بودند که گاه گاهی آنرا استعمال می کردند، بعضی اشخاص قریه در موقع ضرورت آنرا به عاریت می خواستند... گوشت کمتر خورده می شد قصاب گاه گاهی پارچه های گوشت گاو و ویالگو سفند و یا بز را در کجاوه انداخته به خانه های ده می آورد و در بدل غله می فروخت و برای حمل غله یک مرکب نیز با خود میداشت. نان شام قبل از تاریکی صرف می شد، اگر ضرورت به چراغ می افتید از چراغ های گلی کوچک تیلی کار می گرفتند یا چراغ چوب را که از چوب جلغوزه می بود روشن می کردند، تیل خاک و چراغ های که توسط آن روشن می شد آنگاه در لغمان نبود گوگرد هم میسر نمی شد برای آتش افروختن از سنگ چقمق و آهنی که آتشپزنا می شد کار می گرفتند، علی العموم آتش در دیگران به زیر خاکستر از یک شب به روز دیگر نگهداری میگردید و یا همسایه ها از همدیگر میخواستند... در وقت برداشتن خرمن غله، اشخاصی که از آن سهم می بردند عبارت بودند از ملا امام مسجد قریه، دلاک، نجار، آهنگر و کلال. سهم دلاک از همه بیشتر می بود زیرا اوبه علاوه سرتراشی بسا امور دیگر را نیز به دوش داشت مثل ختنه کردن، حجامت، دندان کشیدن، رساندن خط، خبر پیغام به حیث پوسته چی محلی به قریه های دور دست، پخت و پز در خیراتها و یا عروسی ها همچنان دهل زدن و سرنی نواختن در روز های خوشی مثل تولدی، ختنه سوری، شب شش بچه ها و یا مراسم عروسی، تهیه غوری های گلی و ظروف برای نان به ذمه کلال بود.

تنازعات و سرقت های جزئی و غیره مناقشات که بین اهالی به وقوع می پیوست توسط ملك و یا ریش سفید های قریه حل و فصل شده گپ به حاکم و قاضی نمی رسید. سپاهیان حکومتی که بنابر مسأله به قریه می آمدند شب در خانه ملك اعاشه و اباته می شدند ، البته ملك مصارف متذکره را بعداً از اهل قریه دریافت می نمود .

مالیه اراضی چون آنگاه به غله بود مردم چارباغ مجبوراً برنج یا گندم را به مواشی حمل کرده به گدام های مرکزی لغمان یا جلال آباد می بردند آنها يك مقدار غله بیشتر از اندازه مالیه دهی با خود حمل میکردند زیرا يك مقدار تقلب در ترازوی گدام دار می بود و يك اندازه به بها نه اینکه غله مذکور ریگ و خاک دارد برای جیره آن مقدار اضافه تر تحویل میکردند .

چشم دید های مرحوم میر سید قاسم خان یکی از بنیان گذاران مشروطیت در افغانستان نمایانگر آنست که در فاصله زمانی نه چندان دور یعنی در دو دهه اخیر قرن نزد هم در کشور به خصوص در ولایات آن تبادله جنس به جنس (عدم موجودیت پول) نبودن راه ها بین مراکز ولایات آن ، پیش برد امور زراعت به صورت دسته جمعی و حل مناقشات و مناقشات ، سرقت ها بین افراد جامعه از طریق جرگه های محلی و ملك و ریش سفید قریه ، تهیه خوراک و پوشاک ساده و سیستم رها یابی را یج بوده که همه آنها دال به ادامه سیستم ماقبل فیو دالی است . بناءً از یکطرف فقر ، بینوایی ، مرض که همه آنها معلول عقب ماندگی و نگهداری توده های مردم در بند جهل و بیسوادی و تاریکی بوده و از سوی دیگر ظلم ، اختناق و استبداد به حدی رسیده بود که دیگر مردم احساس مصونیت در برابر جان و مال خود نمی کردند . برای داشتن باز هم تصور روشنتر از اوضاع اختناق آور آن دوره ، خواننده محترم را به خواندن سخنانی چند از « ظهور و سقوط اعلیحضرت امان الله خان » اثر پیکار پامیر دعوت مینمایم :

« وحشت ، جنایت و دنا نت امیر و درباریان بی مروت وی در سراسر کشور چنان سایه افکنده بود که هیچکس از جان و مال خویش مطمئن نبود ، فقر اقتصادی و فرهنگی ، توأم با اسارت ملی ، اختناق شدید سیاسی و فشار کمر شکن شرایط فیو دالی که جمعاً مدت بیست و يك سال را احتوا کرد ، اگر از یکطرف کشور را در انزوای دردناک سیاسی ، اقتصاددی مقید ساخت و از سوی دیگر موجب خشم توده های جامعه و خیزش های مسلحانه خونین در سراسر مملکت نیز گردید . »

ادامه دارد

آن عده از هموطنانی که خواسته باشند کتاب را خرید نمایند می توانند به آدرس ذیل تماس بگیرند:

Dr. Ajruddin Hashmat
97 Forest Heights Str.
Whitby, Ont. L1R 1x7. Canada
Tel (905) 665-8767